

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰

صص ۲۰۲-۱۷۴

بررسی تأثیر نوع و میزان کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری مطالعه موردی: جرایم مرتبط با مواد مخدر در بخش مرکزی شهر تهران

دکتر محمد قصری - استادیار مدیریت استراتژیک، دانشگاه علوم انتظامی، تهران
دکتر محسن کلانتری* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان
کاظم جباری - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان
سمیه قزلباش - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱/۱۷

چکیده

از مهمترین عوامل تأثیرگذار در بروز ناهنجاری‌های اجتماعی، ویژگی‌های مکانی و تسهیلات محیطی مکان‌های وقوع بزهکاری است. شکل و نوع کاربری‌ها و رابطه بین توزیع آنها در سطح شهر در وقوع انواع جرایم تأثیر بسزایی دارد از سوی دیگر توزیع نامتعادل کاربری اراضی در سطح شهر سبب توزیع ناموزون جمعیت و فعالیتها می‌شود و این موضوع در کاهش نظارت‌های اجتماعی و افزایش ناامنی و وقوع بزهکاری مؤثر است. در مقاله حاضر نوع و میزان کاربری اراضی شهری در شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری مورد مطالعه قرار گرفته است. روش پژوهش با توجه به موضوع پژوهش، پرسش و فرضیه طرح شده، ترکیبی از روشهای توصیفی، تطبیقی و تحلیلی است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل‌های آماری و گرافیکی در محیط GIS و نرم‌افزارهای Office/Excel استفاده شده است. برای تحلیل آماری و گرافیکی از نرم‌افزار Arc GIS 9.3 و افزونه (Case) و افزونه Crime Analysis در محیط Arcview استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش به صورت تمام شماری (بدون استفاده از روش‌های نمونه‌گیری) از پرونده‌های کیفری نیروی انتظامی و واحدهای اجرایی مرتبط فرماندهی انتظامی تهران بزرگ از تاریخ ۸۷/۱/۱ لغایت ۸۷/۱۱/۳۰ استخراج گردیده است. بدین ترتیب جامعه آماری مطالعه حاضر مجموعه جرایم ارتكابی قاچاق و سوء مصرف مواد مخدر است که در دوره زمانی پژوهش (فروردین تا اسفند ۸۷) در محدوده بخش مرکزی شهر تهران به وقوع پیوسته است. نتیجه بررسی نشان می‌دهد یکی از مهمترین مشکلات بخش مرکزی شهر تهران عدم اجرای صحیح اصول و ضوابط برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری و عدم توزیع متعادل کاربری‌ها در این بخش از شهر است. این

موضوع و دیگر مسایل کالبدی، اجتماعی در این بخش از شهر تهران سبب شده است، در برخی کاربری‌ها بویژه کاربری تجاری و خدماتی رخداد جرایم بسیار بیشتر از سایر کاربری‌ها باشد. تراکم بالای جمعیت و فعالیت‌ها و همچنین ازدحام و شلوغی جمعیت در طول روز در برخی کاربری‌های خاصی و در خیابان‌های مجاور آنها سبب شکل‌گیری کانون‌های تمرکز بزهکاری در این مکان‌ها شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اقداماتی چون توانمندسازی ساخت و سازهای کالبدی و ساماندهی الگوهای کاربری اراضی در بخش مرکزی در کنار مدیریت بهینه فعالیت‌ها در بخش مرکزی تهران و در مجموع کاهش تنگناها و مشکلات کالبدی، اجتماعی، اقتصادی این بخش تأثیر بسزایی در کاهش بزهکاری در بخش مرکزی شهر تهران دارد.

واژه‌های کلیدی: بزهکاری، کاربری اراضی، الگوی فضایی، بخش مرکزی تهران.

مقدمه

یکی از پیچیده‌ترین مسائل در اکثر کشورهای جهان چگونگی برخورد با پدیده جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی است، آنچه بیشتر موجب نگرانی است، این است که به موازات تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و در نتیجه دگرگونی‌های حاصل انقلاب ارتباطات و اطلاعات و در کنار اثرات مثبت این دگرگونی‌ها، نوع و میزان بزهکاری در جهان تنوع و افزایش قابل توجهی داشته است.

تحلیل جغرافیایی و فضایی جرایم در حوزه شهرها از گرایش‌های نوینی است که می‌کوشد تا این جنبه از مسائل شهری بشر امروز را مورد مطالعه قرار دهد و با تکیه بر ابزار و فناوری‌های تحلیل جغرافیایی جهت مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی و پیشگیری از جرم راهبردها و راهکارهای مناسب ارائه دهد. در این مطالعات چگونگی پیدایش، کیفیت و نحوه پراکندگی اعمال مجرمانه در محدوده جغرافیایی شهرها مورد بررسی قرار می‌گیرد و اقدام به تحلیل فضایی فعالیت‌های مجرمانه می‌گردد و با تلفیق این اطلاعات با داده‌های مکانی محل ارتکاب جرایم و شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی مجرم و محل سکونت او، امکان شناسایی کانونهای جرم‌خیز^۱ فراهم می‌گردد. به این طریق می‌توان مکان‌های احتمالی وقوع ناهنجاری در آینده در محدوده شهر را پیش‌بینی نمود و با استفاده از این تحلیل‌ها به شکل مؤثری امکان کاهش میزان جرایم در سطح شهر فراهم شود. بر همین اساس دو دستاورد مهم این مطالعات

در موضوع مدیریت بهینه اطلاعات مکانی و امکان تحلیل‌های مکانی و فضایی از یکدیگر قابل تفکیک است (Chung, 2005: 49-50).

بی‌شک برخی مکانها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی ساکنان آن امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند، در نقطه مقابل برخی مکانها مانع و بازدارنده فعالیت‌های مجرمانه هستند. همین امر موجب می‌شود تا بزهکاران در انتخاب محل بزهکاری خود به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصتها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند (کلانتری و توکلی، ۱۳۸۶: ۷۶). در واقع وجود این فرصتها و تسهیلات محیطی است که نوع و میزان بزهکاری را در سطح شهرها تعیین می‌کند، در این میان علم شهرسازی و بویژه برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری نقش اساسی و کاربرد زیادی در تغییر و اصلاح شرایط محیطی جهت حذف فرصتهای مکانی بزهکاری دارد. در برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری اقدام به جانمایی مناسب کاربری‌های مختلف شهری می‌شود و موجب توسعه بهینه و متعادل فضاهای شهری می‌گردد. از سوی دیگر عدم توجه به اصول این علم سبب تراکم نامتعادل کاربری‌ها و جمعیت در نقاط مختلف شهر می‌گردد و این امر موجب بروز مشکلات متعدد بویژه وقوع انواع ناهنجاری‌های اجتماعی در شهر می‌شود.

در بین شهرهای کشور، شهر تهران به‌عنوان پایتخت کشور و بزرگترین کلانشهر ایران به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و کارکردی و شرایط خاص کالبدی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر آن، با نرخ بالای ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه است. چنانچه بالاترین سهم نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و در همان راستا بیشترین میزان جرم و جنایت را در بر می‌گیرد و بیشترین میزان بودجه نیروی انتظامی کشور را در جهت حفظ ثبات و امنیت به‌خود اختصاص داده است (نصیری و اعظمی، ۱۳۸۵: ۴۳). به‌عبارتی یکی از مهمترین مشکلات تهران در حال حاضر میزان بسیار بالای جرم و جنایت و ناهنجاری‌های اجتماعی در این شهر است. در این میان میزان جرایم ارتكابی در بخش مرکزی شهر تهران که به‌طور تقریبی بر منطقه ۱۲ و بخشی از مناطق ۱۱ شهرداری منطبق می‌باشد و به تهران عهد ناصری شهرت دارد، بسیار بیشتر از سایر مناطق شهر تهران می‌باشد. لذا با توجه به اهمیت موضوع و با هدف افزایش

ایمنی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی در بخش مرکزی شهر تهران در مقاله حاضر سعی شده است تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- آیا بین نوع، میزان کاربری اراضی در بخش مرکزی و شکل‌گیری الگوی فضایی وقوع بزهکاری در این محدوده از شهر ارتباطی وجود دارد؟
- آیا نوع کاربری و استفاده از اراضی تأثیر تسهیل‌کننده در شکل‌گیری کانون‌های تمرکز وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر در بخش مرکزی تهران داشته است؟

روش پژوهش و جامعه آماری

در این پژوهش با توجه به موضوع پژوهش، پرسش و فرضیه طرح شده، ترکیبی از روشهای توصیفی- تحلیلی و تطبیقی به کار گرفته شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل آماری و گرافیکی و نرم‌افزارهای office/Excel استفاده شده است. برای تحلیل آماری و گرافیکی داده‌های بزهکاری از نرم‌افزارهای سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و نرم‌افزار جانبی Crime Analysis در محیط Arc View و «Case» در محیط Arc GIS استفاده شده است. علاوه بر آزمون‌های آماری، برخی روش‌های آماری گرافیک مبنا از جمله روش تحلیل شبکه‌ای و روش تخمین تراکم کرنل به کار گرفته شده است. همچنین داده‌های مربوط به جرایم مورد مطالعه به صورت وقایع نقطه‌ای در محدوده قانونی شهر تهران و بخش مرکزی این شهر در نظر گرفته شده است. در این ارتباط جرایم وقوع یافته در خیابان‌ها و معابر با استفاده از تحلیل مجاورت در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی برای نزدیک‌ترین کاربری مجاور هر بزه در نظر گرفته شد.

جامعه آماری این پژوهش مجموعه جرایم قاچاق و سوءمصرف مواد مخدر بوده است که در دوره زمانی پژوهش یعنی از تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱ تا ۱۳۸۷/۱۱/۳۰ در محدوده بخش مرکزی شهر تهران به وقوع پیوسته است. جرایمی که به‌عنوان یک واقعه مجرمانه در مراکز انتظامی تهران بزرگ ثبت و برای آن پرونده و سابقه تشکیل شده است. نوع و درصد فراوانی این جرایم و توزیع نقطه‌ای محل وقوع آنها در جدول و نقشه شماره ۱ آورده شده است. همچنین

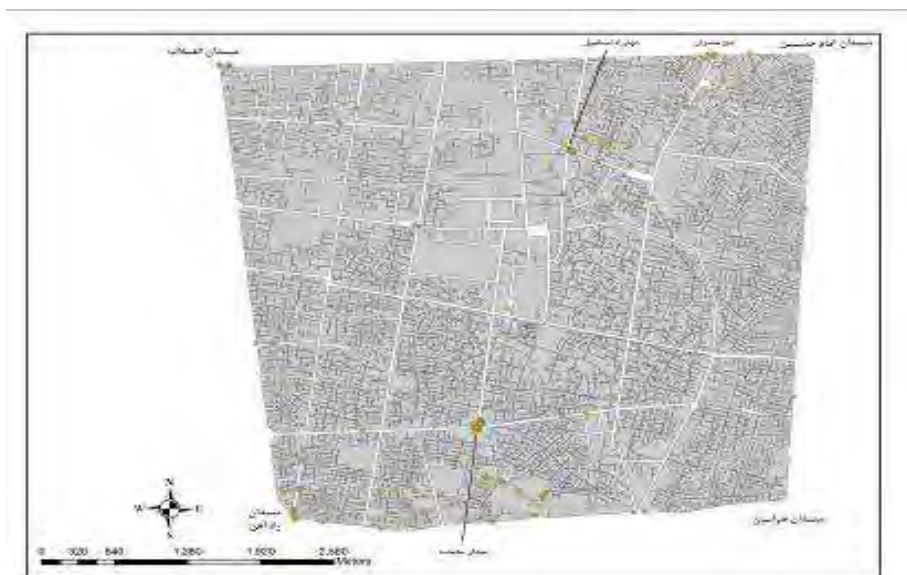
به جهت استفاده از روش تمام شماری در بررسی جامعه آماری، روش های نمونه گیری به کار گرفته نشده است.

جدول شماره ۱: نوع و میزان جرایم ارتكابی مربوط به مواد مخدر در شهر و بخش مرکزی تهران

(۱۳۸۷/۱۱/۳۰ تا ۱۳۸۷/۱/۱)

نوع جرم	فراوانی در تهران بزرگ	درصد فراوانی در تهران بزرگ	فراوانی در بخش مرکزی	درصد فراوانی در بخش مرکزی
تولید آلات و ادوات ساخت و استعمال مواد مخدر	۱۷	۱/۲۹	-	-
خرید و فروش تریاک	۴۰۳	۳۰/۷	۴۸	۴۱/۷۳
خرید و فروش حشیش	۱۰۰	۷/۶۲	۹	۷/۸۲
خرید و فروش سوخته	۵	۰/۳۸	-	-
خرید و فروش شیره مطبوخ	۷	۰/۵۳	-	-
خرید و فروش کوکائین	۲	۰/۱۵	-	-
خرید و فروش گراس	۳	۰/۲۲	-	-
خرید و فروش مواد مخدر شیمیایی	۳۳	۲/۵۱	-	-
خرید و فروش مواد مخدر صنعتی	۱۸۶	۱۴/۱۷	۲۲	۱۹/۱۳
خرید و فروش هروئین	۴۴	۳/۳۵	۱۱	۹/۵۶
خرید و فروش سایر مواد	۴۴۳	۳۳/۷۶	۱۶	۱۳/۹۱
سوء مصرف	۶۹	۵/۲۵	۹	۷/۸۲
مجموع	۱۳۱۲	۱۰۰	۱۱۵	۱۰۰

مأخذ: نیروی انتظامی تهران بزرگ، ۱۳۸۷ و محاسبات نگارندگان



نقشه شماره ۱: توزیع نقطه‌ای وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر در محدوده بخش مرکزی شهر تهران - مأخذ: جباری، ۱۳۸۸

ضرورت و اهداف پژوهش

بی‌شک نوع و میزان کاربری اراضی در شکل‌گیری الگوهای زندگی و فعالیت شهروندان تأثیر دارد. از سوی دیگر گاهی رفتار مردم در شکل‌دهی ساخت کالبدی شهرها مؤثر است. با توجه به این ویژگی، پژوهش حاضر کوشیده است تا رابطه نوع و میزان کاربری‌ها در بخش مرکزی شهر تهران را با الگوهای فضایی بزهکاری در این محدوده مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. بنابراین از جنبه‌های اهمیت این تحلیل آن است که به کمک آن می‌توان نسبت به تغییر این شرایط و ویژگیها، احیاء و طراحی مجدد فضاها اقدام نمود و از طرفی برخی موانع و شرایط بازدارنده برای ارتکاب بزهکاری را ایجاد کرد و بدین وسیله ضمن افزایش سطح امنیت اجتماعی، در استفاده از امکانات و منابع صرفه‌جویی شود. برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان علم ساماندهی شهرها می‌تواند نقش مهمی در تغییر شرایط فیزیکی و مکانی شهرها جهت کاهش

ناهنجاری‌ها ایفا نماید. برنامه‌ریزان شهری می‌توانند با شناخت ویژگیها و تسهیلات مکانی جرم در شهرها و با اعمال تغییرات در محیط و همچنین با برنامه‌ریزی و طراحی مناسب شهری به منظور سخت کردن شرایط محیطی ارتکاب بزه، نرخ جرائم را در سطح شهرها به حداقل برسانند. از گرایشهای مهم برنامه‌ریزی شهری که در این زمینه بسیار مؤثر و مفید واقع می‌شود، برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری است که چگونگی استفاده و توزیع اراضی و مکان‌های بهینه فعالیتها و کاربری‌های مختلف را در سطح شهر مشخص می‌کند. در واقع این موضوع عرصه و میدان عمل نوینی را برای پژوهشگران جرم‌شناسی، مراکز پلیس و تشکیلات قضایی جهت کاهش نرخ بزهکاری فراهم آورده است تا در جهت پیشگیری مکانی بزهکاری اقدام کنند. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه این موضوع به مدیریت بهتر امور انتظامی در شهرها کمک می‌نماید تا دست‌اندرکاران امنیت شهری و پیشگیری از بزهکاری با استفاده از این رویکرد و نتایج تحقیقات مرتبط بتوانند در اتخاذ راهبردهای مناسب پیشگیری از جرم و کاهش بزهکاری توفیق یابند (Ratcliff, 2004: 1).

بنا به ضرورت‌های یاد شده، مهمترین اهداف و ضرورت‌های مقاله حاضر به شرح زیر است:

- شناسایی و تحلیل الگوی فضایی وقوع بزهکاری در بخش مرکزی شهر تهران، بر اساس نوع و میزان جرایم مرتبط با مواد مخدر؛
- ارزیابی میزان تأثیر محیط جغرافیایی و شرایط اجتماعی - اقتصادی محل فعالیت مجرمین در نوع و میزان جرایم ارتكابی؛
- به‌کارگیری توانمندی‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در زمینه تحلیل فضایی مسائل و مشکلات اجتماعی بخش مرکزی شهر تهران.

فرضیه پژوهش

- نوع کاربری و نحوه استفاده از اراضی بخش مرکزی شهر تهران در شکل‌گیری الگوهای فضایی جرایم و نوع و میزان جرایم ارتكابی در این محدوده از شهر ارتباط دارد.

پیشینه و مبانی نظری

نامانی اجتماعی وضعیت یا پدیده‌ای است که با خدشه و اختلال در امنیت اجتماعی به وجود می‌آید. وجود یا فقدان یک یا چند متغیر تهدیدکننده که منجر به احساس ترس شود، موجبات نامانی اجتماعی را فراهم می‌کند (ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۵: ۹۵). امنیت یک فضا به کاربری‌های محاط‌کننده آن بستگی دارد و باید تدابیری برای کاهش اثرات منفی کاربری‌های خلوت و متروک که مشکل‌ساز هستند، و نیز کاربری‌های ناسازگار با هم اندیشیده شود. برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری به عنوان علم ساماندهی مکانی و فضایی فعالیتها و عملکردهای شهری بر اساس خواسته و نیازهای جامعه شهری شناخته می‌شود (سعیدنیا، ۱۳۷۸: ۱۳). فارمر^۱ و گیب^۲ معتقدند که برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری یک فرآیند مدیریتی است که بر اساس اهداف کلی و جزئی جامعه صورت می‌گیرد و عناصر کاربری متشکل از فعالیت‌ها، مکان‌ها و مردم هستند که این سه عنصر در ارتباط با هم عمل می‌کنند (Farmer & Gibb, 1979: 243). آنچه مسلم است این موضوع می‌باشد که برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری به دلایل مباحث امنیتی، زیبایی، اقتصادی و محیطی به گونه‌ای که تعادل کاربری‌های مختلط رعایت گردد، بسیار مهم است. کاربری‌های مختلط بایستی با یکدیگر و نیازهای جامعه سازگار و موافق باشند تا یک مکان جذاب و ایمن را به وجود آورند (National Crime Prevention Council, 2003:19).

کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی از طریق علم برنامه‌ریزی و طراحی شهری از موضوعات جدیدی است که طی دهه ۱۹۷۰ به ادبیات جرم‌شناسی محیطی اضافه شد. اولین طرح کلی در مورد پیشگیری جرم از طریق برنامه‌ریزی و طراحی شهری را در سال ۱۹۶۱ جاکوبز در کتاب خود تحت عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» مطرح کرد. جاکوبز معتقد بود شهرهای جدید به گونه‌ای طراحی نشده‌اند که مردم قادر به دیدن خیابانهای عمومی و مکانهای اطراف منزل خود باشند و همین امر باعث شده است تا امکان کنترل اجتماعی و غیررسمی برای پیشگیری جرم از مردم سلب شود. به نظر جاکوبز جرم و محیط نظام‌پذیر، قابل مشاهده و

1. Farmer

2. Gibb

کنترل هستند و لذا مراقبت‌های معمولی ساکنین شهر مانع مهم بروز جرایم خواهد بود. مطالعات نشان می‌دهد برخی مشخصه‌های کالبدی مانند نوع خیابان، افزودن یک بنا یا فضای عمومی، تعداد واحدهای مسکونی یک ساختمان و کاربری‌های تجاری تأثیر مستقیمی در میزان جرایم شهری دارد. نوع کاربری و ساخت و ساز شهری در نوع و میزان جرایم مؤثر است. جین جاکوبز براساس مشاهداتش بیان کرد که یک خیابان شهری موفق، باید دارای سه کیفیت اصلی باشد:

- **مرز و محدوده:** باید یک مرز مشخص بین فضاهای عمومی و خصوصی باشد و فضاهای عمومی و خصوصی نباید در هم نفوذ کنند؛

- **مالکیت فضای عمومی:** باید چشم‌هایی برای خیابان وجود داشته باشند. چشم‌هایی متعلق به کسانی که شاید آنها را مالکین طبیعی خیابان بنامیم.

- **استفاده کنندگان دائمی:** مسیرهای پیاده باید استفاده کنندگان دائمی داشته باشند، برای اینکه چشم‌های مؤثر خیابان افزوده شود و افرادی که در ساختمان‌هایی در امتداد خیابان هستند، تمایل به دیدن پیاده‌رو داشته باشند (Jacob, 1961: 35). برای نمونه در انگلستان و در راستای ارتقای امنیت در فضاهای عمومی شهری، سیاست کاربری‌های مختلط تشویق شدند و مخلوطی از مشاغل کوچک، خانه‌ها و اداره‌ها در مراکز شهری و ایجاد آپارتمان‌ها در طبقات بالای مغازه‌ها در طرح‌ها اعمال شدند تا میزان فعالیت و بنابراین امنیت را افزایش بدهد (www.dacorum.gov.uk, 2004).

بررسی‌ها در کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد در محدوده یا درون مشروب‌فروشیها، قمارخانه‌ها، سالن‌های استخر، ساختمان‌های بدون سکنه آمار جرم بالاست. از طرفی برخی فضاهای شهری مانع ارتکاب بزهکاری هستند. به‌عنوان مثال ساختمان‌ها و مکان‌های با نورپردازی مناسب، که دارای دید و چشم‌انداز خوب حصار، پرچین، نرده و یا نصب تابلو و علامتهای هشدار و نگهبان هستند میزان بزهکاری اندک می‌باشد (کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۷).

شاو^۱ و مک‌کی^۲ در سال ۱۹۲۹ در خصوص تأثیر بسزای کاربری‌های اراضی در وقوع

1. Calliford show

2. Mckey

میزان خاصی از جرایم دریافتند که وجود کاربری‌های تجاری و صنعتی در واحدهای همسایگی شهرها باعث بالا رفتن ناهنجاری‌های مختلف در سطح محلات می‌شود. در مطالعه دیگری که به بررسی رابطه بین کاربری اراضی و جرم در بخشی از کلمبیا انجام شد، نشان داد کاربری‌های تجاری شهر، مجرمین بسیار زیادی را برای ارتکاب جرم به این محدوده‌ها جذب می‌کند (Rhods, W. & Conly, 1981: 21).

در طول دهه ۷۰، چندین پروژه تحقیقاتی به مطالعه رابطه بین جرم و ساختار محیط فیزیکی پرداخته است که علی‌رغم روش‌های مختلف اصلاح و مداخله در محیط، همه آنها در ارائه یک یا چند فرضیه زیر سهیم بوده‌اند:

- محیط فیزیکی می‌تواند موجب تغییر در رفتار و عادات مردم در جهت افزایش احتمال مشاهده مجرمین شده و از این طریق ترس از دستگیری را در مجرمین افزایش دهد.
- با از بین بردن فرصت‌های جرم در یک محیط فیزیکی می‌توان از وقوع جرایم پیشگیری نموده و با ایجاد و تقویت موانعی پیرامون هدف‌ها، زمینه ارتکاب به جرم را کاهش داد.
- اعمال محدودیت‌ها و تغییراتی در ساختار محیط، راه‌های گریز و مکان‌های قابل اختفا، اقدامات مجرمین را خنثی نموده یا تحت کنترل در می‌آورد.
- ساکنین با ساماندهی و استفاده از محیط فیزیکی از طریق روش‌هایی چون افزایش مراقبت، کنترل خیابان، نظارت شدید، تعامل اجتماعی و ارتباط مؤثر بین ساکنان یک محیط می‌توانند زمینه کاهش وقوع جرم را فراهم نمایند (روزبنام، ۱۳۷۹: ۴۸).
- اصول اساسی پیشگیری جرم مبتنی بر مکان در قالب تئوری‌های فضای قابل دفاع، پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، نظریات مکانی جرایم شهری و جرم‌شناسی محیطی در ارتباط با هم مورد مطالعه قرار گرفته است.
- جفری^۱ نخستین کسی بود که در سال ۱۹۶۹ عبارت «پیشگیری از بزهکاری از طریق طراحی شهری»^۲ را به کار برد. او به برنامه‌ریزی و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای

1. Jeffery

2. Crime prevention through environmental design

همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت. به نظر او مراقبتهای طبیعی شهروندان از طریق طراحی ساختمانها و فضاهای شهری عامل مهم کنترل جرایم شهری است. در سال ۱۹۷۰ و در راستای اندیشه‌های پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، اسکار نیومن^۱ دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم (فضای قابل دفاع) را مطرح نمود. وی مشخصات کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری مؤثر در کاهش جرم و چگونگی استفاده مردم از آنها را بیان کرد. به نظر وی این ایده به طراحان محیط شهر کمک می‌کند در ساخت (یا بازساخت) فضاهای کالبدی به نوعی شهروندان را در کنترل رفتارهای اجتماعی سهیم نمایند. وی در این نظریه به خودیاری مردم بیش از مداخله دولت اهمیت داد و همچنین به طراحی کالبدی برای افزایش سطح نظارت طبیعی توسط شهروندان بسیار توجه شده است (کلاتری، ۱۳۸۰: ۸۹).

پل برانتینگهام^۲ و پاتریسیا برانتینگهام^۳ براساس تحقیقاتی که در سال ۱۹۸۱ در خصوص توزیع فضایی جرم با توجه به نوع کاربری‌ها در شهرها انجام دادند، دریافتند فعالیت‌های غیرقانونی بیشتر در نزدیک شریانهای اصلی حمل و نقل و شاهراه‌ها متمرکز است. همچنین در مسیرهای بین میدین و چهارراه‌ها که دارای عملکردهای گوناگون هستند، میزان بسیار بالایی از جرایم اتفاق می‌افتد (Clarke, 1977: 15).

از دیگر پژوهش‌های که در این زمینه انجام شده است باید از کوشش‌های پژوهشگران هلندی یاد کرد که از اوایل دهه ۱۹۷۰ تا به امروز به‌طور فعال در این زمینه به پژوهش پرداخته‌اند. ایشان به ابعاد مختلف مساله از جمله تأثیر بناهای بلند مرتبه و تراکم مسکونی در رفتار اجتماعی و همچنین تأثیرات اضطراب و ترس در محیط کالبدی و ارتباط آن با جرایم توجه خاصی داشته‌اند و حتی راهنمایی‌هایی نیز برای کاهش جرایم از طریق طراحی محیط کالبدی تدوین نموده‌اند. در بررسی جرایم خیابانی ممکن است در مکان‌های جرم‌خیز و آسیب‌زای شهری به نوع کاربری زمین و سهولت جایگزینی آنها، تراکم زیادی وجود داشته باشد. بعضی مکان‌ها بیانگر جرایم عمومی‌اند و با پتانسیل بالای خود، طعمه‌ها را به آسانی در

1. Oscar Newman
2. Poul brantingham
3. Patricia brantingham

خود جذب می‌کنند زیرا در این مکان‌ها به پیاده‌روها و رفت و آمدهای عمومی زیادی وجود دارد جاهای دیگر (بیانگر جرایم جاذبه‌ای‌اند) به دلیل شهرت ممکن است پتانسیل بالایی در جلب و جذب خلاف‌کارها داشته باشد. بنابراین پلیس کارآمد ممکن است در یک منطقه معین با توجه به موارد فوق در ایستگاههای فرعی دارای عملکردهای متفاوتی باشد (میرکتولی، وطنی ۱۳۸۸: ۱۷۴-۱۷۳). در پژوهش دیگری که توسط آناستازیا لاوکی تاو سایدیس و رابین لیگت و هیرویوکی هیسکی^۱ در سال ۲۰۰۲ صورت گرفت ارتباط میان محیط فیزیکی و اجتماعی و جرم عبوری در امتداد خط آهن لس‌آنجلس و ایستگاههای آن نشان داده شد. این پژوهش ارتباط معنادار میان بروز بزهکاری و استقرار ایستگاههای خط آهن و ویژگیهای فیزیکی - اجتماعی ایستگاهها و مکان‌های مجاور آنها را تأیید کرد (Sideris, 2002). این امر موجب شد تا دایره پیشگیری از بزهکاری و افزایش امنیت شهری از طریق به‌کارگیری اصول و روش‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری و از جمله برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری به ادبیات شهرسازی جهان افزوده شود و به‌عنوان یک نگرش کارآمد در عرصه پیشگیری وضعی بزهکاری مورد توجه قرار گیرد.

معرفی بخش مرکزی شهر تهران

محدوده بخش مرکزی تهران به چهار میدان اصلی انقلاب، امام حسین، خراسان و راه آهن منتهی می‌شود. این بخش از شهر وسعتی حدود ۲۲۳۲ هکتار معادل ۴/۶ درصد از مساحت کل شهر تهران را در بر گرفته است.

این بخش از شهر که بافت عمده آن قدیمی است و هسته اولیه و تاریخی شهر را در خود جای داده است، به دلیل وجود عناصر قدیمی و با ارزشی چون بازار سرپوشیده با راسته‌ها و سراهای متعدد، مسجد جامع، مسجد شاه، ارگ سلطنتی، ساختمان‌های بزرگ و معتبر دولتی (کاخ دادگستری، وزارت دارائی، ساختمان بانک مرکزی، وزارت خارجه و دهها مراکز فعال دولتی دیگر)، وجود سبزه میدان، مراکز متعدد مذهبی (امامزاده یحیی، زید و سید نصرالدین) و

1. Anastasia loukaitou Sideris, Rabin liggett , Hiroyuki Hiseki

همچنین مراکز فرهنگی در سطح ملی همانند موزه ایران باستان، مدرسه مروی و دهها مراکز فرهنگی و علمی و همچنین گذرهای قدیمی متعدد با کوچه‌های تنگ و باریک که از مشخصه‌های بافت قدیمی شهرهاست، دارای بیشترین فضاهای هویتی شهر تهران می‌باشند. همچنین به دلیل وجود بازار بزرگ و سرپوشیده مهم‌ترین کانون اقتصادی و تبادلات کالایی و پخش انواع لوازم و کالا در سطح کشور و شهر تهران می‌باشد (روحی، ۱۳۸۱: ۸۶).



نقشه شماره ۲: محدوده بخش مرکزی در شهر تهران - مأخذ: جباری، ۱۳۸۸

بخش مرکزی تهران دارای چندین بازار تخصصی بدون رقیب در سطح تهران است که دارای عملکرد فرامنطقه‌ای و فراشهری است. از جمله بازارهای تخصصی این بخش می‌توان به بازار فروش کتاب در شمال منطقه (خیابان انقلاب)، بازار کفش و لباس در خیابان ولیعصر، بازار فروش لوازم صوتی و تصویری در خیابان جمهوری و بازار فروش موتورسیکلت در میدان رازی اشاره نمود. این بازارها روزانه جمعیت کثیری را به خود جلب می‌کنند و در واقع به صورت نمایشگاه و فروشگاه مرکزی برای مبادله اطلاعات هستند. علاوه بر بازارهای تخصصی فوق‌الذکر، این بخش از شهر دارای کاربری‌های خاص و ویژه نظیر کاربردهای

سیاسی، حکومتی و نظامی شامل بیت رهبری، نهاد ریاست جمهوری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوه قضاییه، مجموعه پادگان حر، مراکز درمانی و تخصصی مانند بیمارستان فارابی و برزویه است و مهمترین مراکز موسیقی و هنرهای نمایشی شامل مجموعه تئاتر شهر و تالار رودکی در جوار طیف گسترده‌ای از بافتهای مسکونی با خصوصیات مختلف کالبدی در این محدوده استقرار یافته است.

بافت کالبدی بخش مرکزی عموماً شطرنجی است و دارای بافت دوره‌های اول گسترش تهران و با الهام از خیابان‌کشی‌های شهرهای فرانسوی است. خیابان‌های شمالی-جنوبی ولیعصر، کارگر، فردوسی، ۱۷ شهریور، سعدی، وحدت اسلامی از میان این منطقه گذشته و به موازات خیابانهای حافظ و کارگر این منطقه را به مناطق شمالی و جنوبی خود متصل می‌کند. خیابانهای شرقی - غربی جمهوری اسلامی، جامی، پاستور، امام خمینی، ابوسعید، منیریه، مولوی و هلال احمر به صورت شطرنجی، این منطقه مرکزی را به مناطق مجاور خود متصل می‌سازند.

یافته‌های تحقیق و بحث

همان‌گونه که در مبحث روش پژوهش بیان شد، داده‌های مطالعه حاضر از پرونده‌های کیفری تشکیل شده در نیروی انتظامی و واحدهای اجرایی مرتبط (معاونت مبارزه با مواد مخدر، معاونت اطلاعات و آگاهی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ از تاریخ ۸۷/۱/۱ لغایت ۸۷/۱۱/۳۰) استخراج گردیده است. در دوره زمانی یاد شده تعداد ۱۳۱۲ جرم مرتبط با مواد مخدر در محدوده شهر تهران به وقوع پیوسته است (کلانتری، ۱۳۸۸). از این میان تعداد ۱۱۵ فقره معادل ۸/۷ درصد در بخش مرکزی شهر تهران رخ داده است. مصادیق جرایم مرتبط با مواد مخدر تهیه، تولید، خرید و فروش، نگهداری و حمل مواد مخدر و همچنین سوء مصرف^۱ آن بوده است. به منظور تحلیل فضایی و جغرافیایی جرایم ارتكابی ابتدا محل وقوع این جرایم به صورت نقاط منفرد در پایگاه داده مکانی تشکیل و با استفاده از مدل‌های تحلیلی (آماري و گرافیکی)

الگوی فضایی این جرایم در بخش مرکزی شهر تهران استخراج و بر این اساس شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز جرایم مرتبط با مواد مخدر مورد سنجش قرار گرفت. روش تحلیل شبکه‌ای یکی از مدل‌های گرافیکی برای تحلیل ارتباط نوع و میزان کاربری اراضی با وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر است که در این پژوهش از آن استفاده شده است. در این شیوه نسبت جرایم به واحدهای جغرافیایی با ابعاد مشخص سنجیده می‌شود. واحدی که به صورت موضوعی روی نقشه آورده شده است، تعداد جرایم در هر سلول شبکه یا محاسبه تراکم بزهکاری برای هر سلول شبکه بوده است. در این الگو اندازه هر پیکسل شبکه، یک هکتار در نظر گرفته شده است. از جمله دلایل استفاده از تحلیل فضایی بزهکاری به روش شبکه‌ای موارد زیر بوده است:

- شدت جرم در مکان‌هایی که چندین نقطه جرم روی هم قرار گرفته است به روشنی نشان داده شده است؛

- یافته‌های پژوهش برای تولید نقشه‌های سری زمانی و تحلیل‌های آماری بزهکاری قابل استفاده است؛

- شبکه‌ها برای تهیه نقشه تغییرات بزهکاری نسبت به سایر نقشه‌های بزهکاری کارآمدتر است (هریس، ۱۳۸۶: ۲۳۲).

پراکندگی سلولهای شبکه‌ای جرایم مربوط به مواد مخدر در بخش مرکزی تهران در نقشه شماره ۳ از شکل‌گیری مهمترین کانون‌های جرم‌خیز در میدان محمدیه (اعدام)، راه آهن، چهارراه استانبول و انقلاب، خبر می‌دهد. بررسی علل شکل‌گیری این کانون بزهکاری در این محدوده نشان می‌دهد وجود بازار مناسب عرضه و فروش مواد مخدر به دلیل شرایط کالبدی حاکم بر این فضاها و احتمالاً وجود تقاضای بیشتر در این محدوده، توزیع آسان مواد در این میدان‌ها، ناکافی بودن کنترل‌های رسمی، وجود ایستگاه مترو در میدان محمدیه (اعدام) و ایستگاه راه آهن در میدان راه آهن شرایط مناسبی را برای خرید و فروش و مصرف مواد مخدر در این محدوده به وجود آورده است. در این میان میدان محمدیه (اعدام) از نظر ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بخش مرکزی شهر تهران وضعیت بسیار حادثری نسبت به سایر میادین

و معابر این بخش دارد و میزان جرایم سوء مصرف و قاچاق انواع مواد مخدر در این مکان بسیار بیشتر از سایر محدوده‌ها است (نقشه شماره ۳).

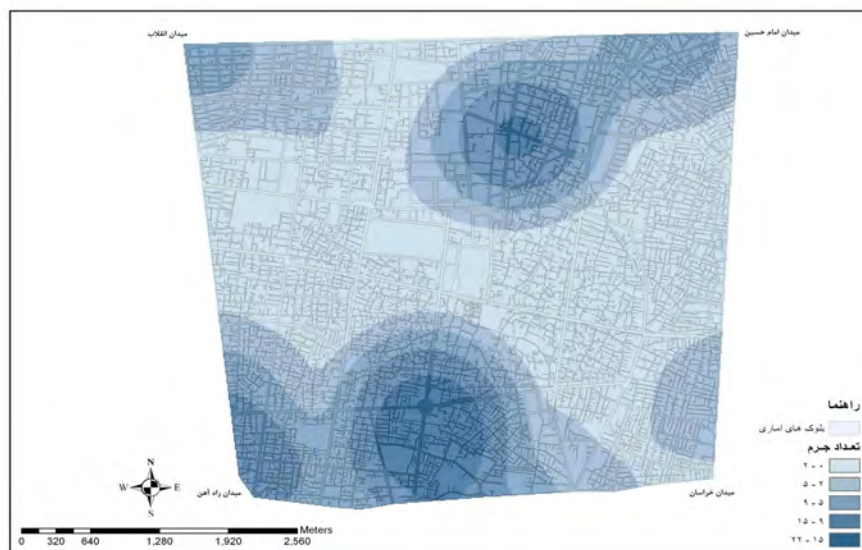


نقشه شماره ۳: کانون‌های تمرکز جرایم مرتبط با مواد مخدر در بخش مرکزی شهر تهران با استفاده از روش تحلیل شبکه‌ای - مأخذ: نگارندگان

روش تخمین تراکم کرنل

مناسب‌ترین روش برای به تصویر کشیدن داده‌های بزهکاری به صورت سطح پیوسته، روش تراکم کرنل چهارگانه است. این روش سطح همواری از تغییرات در تراکم نقاط جرم در روی محدوده ایجاد می‌نماید. استفاده فزاینده ترسیم نقشه به روش هموارسازی سطح پیوسته، عمدتاً به دلیل جنبه‌های دیداری و در دسترس بودن آن است. نقشه‌های تهیه شده به روش هموارسازی سطح پیوسته کانون‌های جرم‌خیز، امکان تغییر ساده‌تر خوشه‌های جرم را فراهم می‌آورد و توزیع فضایی و مکانی کانون‌های جرم‌خیز را با دقت بیشتری نشان می‌دهد. همچنین روش تخمین تراکم کرنل به جای خوشه‌بندی برخی جرایم و حذف بقیه آنها، میزان تمرکز در

تمامی سطوح جرایم را در نظر می‌گیرد (اک و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۰-۵۶). در مقاله حاضر پیش از تحلیل شرایط مکانی که موجب افزایش احتمال ارتکاب جرم در محدوده مورد مطالعه می‌شود، برخی از روش‌های مذکور برای شناسایی الگوهای بزهکاری در بخش مرکزی شهر تهران به کار گرفته شده است. مطمئناً شناسایی و تحلیل این الگوها در یافتن عوامل مؤثر در تمرکز و تجمع جرایم در محلات شهری مفید خواهد بود.

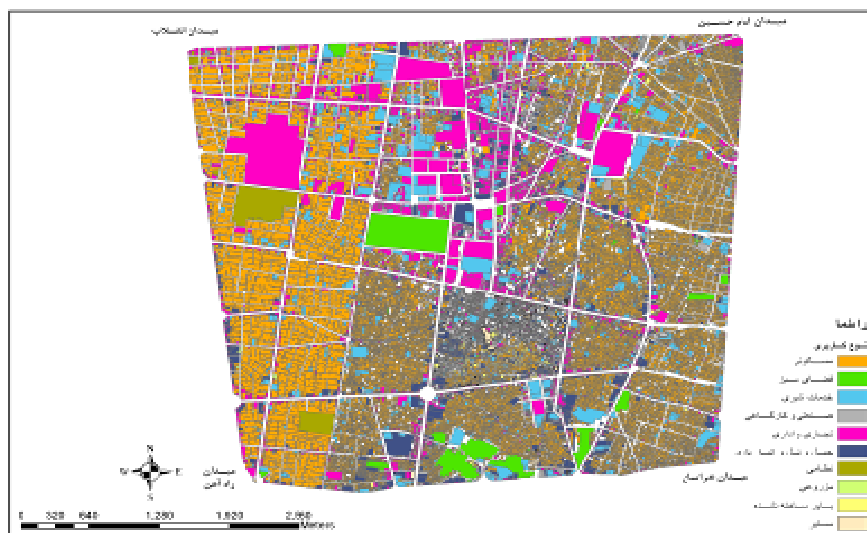


نقشه شماره ۴: توزیع فضایی کانون‌های تمرکز کل جرایم مرتبط با مواد مخدر بخش مرکزی شهر تهران با استفاده از تخمین تراکم کرنل - مأخذ: نگارندگان
 بررسی پراکندگی نقاط جرم مربوط به این جرایم در نقشه شماره ۴ از شکل‌گیری مهمترین کانون جرم‌خیز در میدان محمدیه (اعدام)، استقلال، راه آهن، انقلاب، چهارراه استانبول، رازی (گمرک)، بهارستان و خیابان‌های منتهی به آنها خبر می‌دهد.

وقوع انواع جرایم مرتبط با مواد مخدر در کاربری‌های مختلف بخش مرکزی

بررسی نوع و میزان کاربری اراضی در بخش مرکزی شهر تهران حاکی است بیش از نیمی از کاربری‌های اراضی این بخش را کاربری مسکونی تشکیل می‌دهد به گونه‌ای که ۵۴/۸ درصد از مساحت بخش مرکزی و ۵۶/۱ درصد از تعداد کل کاربری‌ها را فضاهای مسکونی به خود اختصاص داده است. در مرتبه بعد کاربری تجاری و اداری قرار دارد که ۲۰ درصد مساحت کل کاربری‌ها و ۳۰ درصد از تعداد کل کاربری‌ها را شامل می‌شود.

همچنین کاربری خدمات شهری (به غیر از کاربری‌های تجاری و اداری) با مساحتی بالغ بر ۱۰ درصد از کل کاربری‌ها و ۳۱ درصد از تعداد کل کاربری‌ها را به خود اختصاص داده است. گفتنی است کاربری صنعتی و کارگاهی به لحاظ تعداد بیشتر و به لحاظ مساحت کمتر از کاربری خدمات شهری در این محدوده است، سایر کاربری‌ها حدود ۱/۷ درصد از مساحت بخش مرکزی را در بر گرفته است. در نقشه شماره ۵ نوع کاربری اراضی و پراکنش جغرافیایی آن در بخش مرکزی تهران نمایش داده شده است.



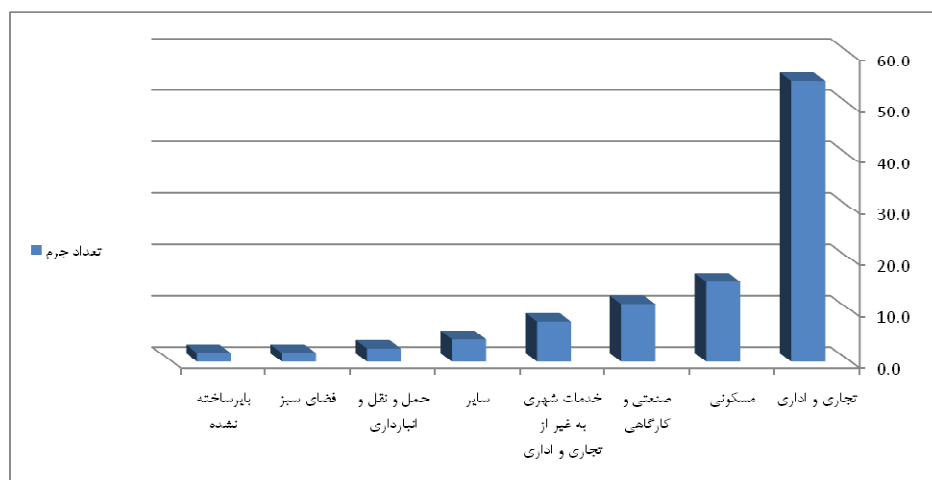
نقشه شماره ۵: نوع کاربری‌های مختلف در بخش مرکزی شهر تهران - مأخذ: جباری، ۱۳۸۸

در این ارتباط جرایم وقوع یافته در خیابان‌ها و معابر با استفاده از تحلیل مجاورت در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی برای نزدیک‌ترین کاربری مجاور هر بزه در نظر گرفته شد. با در نظر گرفتن تعداد جرایم وقوع یافته در هر کاربری، ملاحظه می‌شود در کاربری‌های تجاری و اداری که حدود ۲۰ درصد از مساحت بخش مرکزی را تشکیل می‌دهد، بیشترین میزان جرایم مورد مطالعه واقع شده است. به عبارت دقیق‌تر از کل ۱۱۵ فقره بزه مورد مطالعه، ۶۳ فقره بزه معادل ۵۴/۷۸ درصد (بیش از نیمی از جرایم ارتكابی) در کاربری‌های تجاری یا اداری بخش مرکزی رخ داده است. به نظر می‌رسد سهم قابل توجه کاربری تجاری در بخش مرکزی تهران و همچنین وجود مراجعه کنندگان متعدد و متنوع به مراکز تجاری، فروشگاه‌ها و مغازه‌ها که بیشتر خیابان‌های اصلی و فرعی بخش مرکزی واقع شده است به عنوان یک عامل تسهیل کننده وقوع جرایم قاچاق مواد مخدر را در این کاربری سبب شده است. تنوع و تعدد کارکردها و فشار بیش از حد جمعیت در طول روز به مراکز تجاری و معابر و خیابان‌های مجاور آنها این مکان‌ها را برای ارتكاب جرایم خرید و فروش مواد مخدر فعالیت کرده است. به نظر می‌رسد شلوغی بیش از حد خیابان‌ها بر اثر رفت و آمد افراد پیاده و سواره، انباشتگی شدید ساختمان‌ها و کمبود فضا و تراکم ساخت و سازها و انجام فعالیت‌های جنبی و دستفروشی در برخی مسیرهای پیاده و اجتماع دستفروشان در معابر و در مکان‌هایی چون خیابان ناصرخسرو و کوچه‌های منتهی به آن، میدان توپخانه (پشت شهرداری)، خیابان گمرک، خیابان امام خمینی، خیابان جمهوری، خیابان فردوسی از جمله ویژگی‌های دیگر معابر مجاور مکان‌های تجاری است که به عنوان عاملی ترغیب کننده، سبب بروز بیشتر جرایم مورد بررسی شده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد مشخصات فوق نوعی مانع و بازدارنده برای انجام کنترل‌های رسمی و غیررسمی نهادها مقابله کننده با این فعالیت‌های نامشروع و مجرمانه بوده است. نتیجه بررسی هریک از انواع کاربری اراضی در بخش مرکزی و تعداد ارتكاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول شماره ۲: فراوانی وقوع جرایم در انواع کاربری‌های بخش مرکزی شهر تهران

درصد جرایم	جمع تعداد جرایم	سوء مصرف مواد مخدر	قاچاق سایر مواد مخدر	قاچاق مواد مخدر صنعتی	قاچاق هروئین	قاچاق تریاک	قاچاق حشیش	نوع مواد
								نوع کاربری
۵۴/۷۸	۶۳	۸	۹	۹	۳	۳۱	۳	تجاری و اداری
۱۵/۶۵	۱۸	۱	۴	۵	۲	۴	۲	مسکونی
۱۱/۳	۱۳	۰	۲	۴	۱	۵	۱	صنعتی و کارگاهی
۷/۸۲	۹	۰	۰	۳	۱	۴	۱	خدمات شهری به غیر از تجاری و اداری
۴/۳۴	۵	۰	۱	۰	۳	۱	۰	سایر
۲/۶	۳	۰	۰	۰	۰	۲	۱	حمل و نقل و انبارداری
۱/۷۳	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۱	فضای سبز
۱/۷۳	۲	۰	۰	۱	۱	۰	۰	بایر ساخته نشده
۱۰۰	۱۱۵	۹	۱۶	۲۲	۱۱	۴۸	۹	جمع کل

مأخذ: نگارندگان



نمودار شماره ۱: فراوانی وقوع جرایم در کاربری اراضی مختلف در بخش مرکزی شهر تهران

مأخذ: نگارندگان

کاربری مسکونی از دیگر کاربری‌های مهم بخش مرکزی است که ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در آن قابل توجه بوده است. در کاربری مسکونی که بیش از نیمی از مساحت بخش مرکزی را به خود اختصاص داده است ۱۸ فقره جرایم مورد بررسی معادل ۱۵/۶۵ درصد رخ داده است.

نکته حائز اهمیت در خصوص وقوع جرایم در کاربری‌های مسکونی بخش مرکزی تعداد کمتر بزهکاری نسبت به سهم مساحت این کاربری است، چرا که این کاربری بیش از ۵۴/۸ درصد کاربری‌ها و تنها ۱۵ درصد جرایم بخش مرکزی را در خود جای داده است و نشان می‌دهد کاربری‌های مسکونی از نظر وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر در وضعیت بسیار بهتری نسبت به کاربری‌های تجاری و اداری و معابر قرار دارد.

کاربری صنعتی و کارگاهی از دیگر کاربری‌های مسئله‌دار در زمینه وقوع بزهکاری است، این کاربری که تنها حدود ۳ درصد از مساحت بخش مرکزی را شامل می‌شود محل وقوع بیش از ۱۱/۳ درصد از جرایم مورد بررسی بوده است. از نظر نسبت ارتکابی به مساحت، این کاربری وضعیتی مشابه کاربری تجاری دارد.

همچنین در کاربری خدمات شهری حدود ۷/۸۲ درصد جرایم مرتبط با مواد مخدر وقوع یافته است. همچنین در کاربری‌های با کارکرد حمل و نقل و انبارداری، پارک‌ها و فضای سبز و فضاهای بایر و ساخته نشده بیش از ۱۵ درصد جرایم مرتبط با مواد مخدر وقوع یافته است. این کاربری‌ها که عموماً بر پایانه‌های حمل و نقل شهری، پارک‌ها، کوچه‌ها، میادین و چهارراه‌های بخش مرکزی انطباق دارند، محل مراجعه بسیاری از افراد می‌باشد و عموماً در طول روز و تا ساعاتی از شب پر ازدحام و مملو از جمعیت می‌باشد، تعداد قابل توجهی از جرایم مورد بررسی به وقوع پیوسته است. این موضوع نشان‌دهنده آسیب‌پذیر بودن این فضاها نسبت به وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر در بخش مرکزی است. از سوی دیگر بخش مرکزی تهران که از نظر نقش و کارکردهای شهری، محل تمرکز مهم‌ترین کارکردهای تجاری، اداری، اقتصادی شهر می‌باشد و کانون رقابت برای دستیابی به گرانترین زمینها و مکانها و انجام بیشتر تعاملات اجتماعی و اقتصادی و محل گسترش همه‌جانبه فعالیت‌های خدماتی است و بیشتر امور

اداری، خدماتی، مالی، بانکی و حمل و نقل شهری را در خود جای داده است دارای تراکم جمعیت قابل ملاحظه در طول روز می‌باشد چرا که تعداد افرادی که روزانه به این بخش وارد می‌شوند از دیگر بخش‌های شهری بیشتر است و از نظر عملیات مالی و اقتصادی، خرده فروشی و عمده فروشی و گذران اوقات فراغت دارای تمرکز بالایی است. این ویژگی‌ها در کنار سایر مسایل ناهنجاری‌های کالبدی بخش مرکزی تهران و تنوع و تعدد فعالیت‌ها و ناهمگونی عدم انسجام جمعیت در طول روز باعث شده است تا این محدوده محل تمرکز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی شهر تهران باشد.

بررسی وقوع جرایم در هر یک از کاربری‌ها و نحوه استفاده اراضی در بخش مرکزی شهر تهران نشان می‌دهد نوع و میزان کاربری‌ها در شکل‌گیری الگوهای ارتکاب بزهکاری در این محدوده مؤثر بوده است به گونه‌ای که بسیاری از جرایم مرتبط با مواد مخدر در کاربری‌های تجاری و فروشگاهها خیابان‌های مجاور کاربری‌های تجاری، میدان، چهارراه‌ها، پایانه‌های حمل و نقل شهری، پارک‌ها و فضای سبز و محیط‌های کارگاهی رخ داده است. در نقطه مقابل در فضاهای مسکونی که بیش از ۵۴/۸ درصد سطح بخش مرکزی تهران را تشکیل می‌دهد، میزان جرایم مرتبط با مواد مخدر اندک بوده است.

به نظر می‌رسد مجموعه شرایط و فرصت‌های موجود در کاربری‌های یاد شده باعث شده است تا میزان کنترل‌های رسمی و غیررسمی اندک باشد و افراد بزهکار در این محیط‌ها امکان و انگیزه بیشتری برای بزهکاری داشته باشند. علاوه بر این ازدحام و شلوغی جمعیت در برخی کاربری‌های عمومی چون خیابان، میدان، مراکز تجاری، مغازه‌ها و فروشگاهها و بیشتر خیابان‌ها در بخش مرکزی شهر تهران به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده برای وقوع جرایم مورد بررسی عمل نماید. در نهایت برخی شرایط فیزیکی چون تاریکی در کنار عامل خلوتی در شب و در عین حال زیرگذرهای تاریک و کوچه‌های باریک و پیچ در پیچ و برخوردار از گوشه‌های خلوت و دنج از نگاه مجرمین محل‌های مناسبی برای بزهکاری تلقی می‌شود که باعث می‌شود نوع کاربری و نحوه استفاده از اراضی نوع و میزان بزهکاری در این بخش از شهر ارتباط پیدا نماید.

بنا به مراتب فوق می‌توان دریافت نوع و نحوه استفاده از اراضی شهری در بخش مرکزی در ایجاد زمینه و شرایط ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر تأثیر داشته است. با در نظر گرفتن سهم بالای بزهکاری در مجاورت کاربری تجاری و اداری و تأثیر غیرقابل انکاری که این کاربری در افزایش میزان بزهکاری دارد، ارتباط معناداری مبنی بر تأثیر نوع کاربری و نحوه استفاده از اراضی در توزیع جغرافیایی جرایم مرتبط با مواد مخدر و شکل‌گیری الگوهای فضایی بزهکاری در بخش مرکزی شهر تهران داشته است و از این نظر فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات اجرایی

بزهکاری موضوع پیچیده‌ای است که در محیط‌های اجتماعی مختلف به اشکال متفاوتی دیده می‌شود. در واقع منشأ این اختلافات را باید در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و نابسامانی‌های حاصل از آنها جستجو کرد که در صورت وجود یک بستر مکانی و زمانی مساعد زمینه بروز جرم و تکرار آن را فراهم می‌کند و به مرور زمان یک محیط جغرافیایی را به یک کانون جرم‌خیز تبدیل می‌کند. متخصصان بسیاری از علومی چون جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، روانشناسی، معماری و بسیاری دیگر در کنار برنامه‌ریزان و طراحان شهری با چالشی دشوار در برابر مسئله امنیت شهری مواجه شده‌اند. برنامه‌ریزان شهری در این که امنیت در شهرها با ایجاد فضاهای دفاع‌پذیر در ارتباط متقابل هستند، با هم اتفاق نظر دارند و همچنین با توجه به اینکه کاهش میزان جرایم و بزهکاری در جهت بهبود امنیت امری اجتناب‌ناپذیر است، می‌توان دریافت در سنجش فضاهای امن و قابل دفاع شهری در نظر گرفتن آمار ارتکاب به بزهکاری و تلاش در راستای کاستن از فرصت‌های جرم‌خیز، اهمیتی بیش از پیش یافته است. از سوی دیگر امروزه معضل تولید و قاچاق مواد مخدر و اعتیاد از پدیده‌های شوم کشورها محسوب شده و توانایی‌های اقتصادی، ظرفیت‌های امنیتی و انتظامی بسیاری را به‌خود معطوف داشته و جنبه‌های فراملی به‌خود گرفته است (محمدی و غنچی، ۱۳۸۵: ۹۳). در این میان بخش مرکزی شهر تهران به‌دلیل وجود مسائل و مشکلاتی چون

فرسودگی بافت و بناها، گریز جمعیت و فعالیت، زیر ساخت‌های نامناسب، نفوذپذیری ضعیف بلوک‌های شهری، کیفیت نازل محیطی و انواع آلودگی‌ها، اغتشاش سازمان فضایی، ناخوانایی ساختار کالبدی، گریز ساکنان قدیمی و اصیل بخش مرکزی به دیگر نقاط شهر و جایگزینی مهاجران کم‌درآمد و مجرد در این بخش از شهر، کمبود فضای سبز و باز، وجود مشاغل کاذب و غیررسمی، تراکم شدید فعالیت‌های تجاری، کاهش امر سکونت به صورت فزاینده و شتاب در تغییر کاربری اراضی مسکونی و از همه مهمتر نرخ بالای بزهکاری بویژه جرایم مرتبط با مواد مخدر مواجهه است. در این میان بافت کالبدی ناکارآمد محله‌های مسکونی که به سادگی به افراد بیگانه اجازه ورود به همه بخش‌های داخل بافت را می‌دهد، در کنار عدم انسجام اجتماعی و فقدان مجموعه همسایگی‌های تعریف شده و روحیه مشارکت محلی در ساکنین در راستای افزایش حس تعلق، مالکیت و ایجاد مسئولیت جمعی در بافت مسکونی به‌عنوان مواردی تأثیرگذار که به‌ندرت در محلات مسکونی این بخش مشاهده شده است در مقابل حاکم بودن احساس بیگانگی بر فضای محلات این بخش از شهر که به‌شدت نیز رو به گسترش است، سهم بسزایی در افزایش میزان بزهکاری در محدوده بخش مرکزی شهر تهران داشته است.

بررسی نوع کاربری و نحوه استفاده از اراضی در شکل‌گیری الگوی بزهکاری در بخش شهر تهران بیانگر این نکته مهم و اساسی است که نوع و میزان کاربری‌ها در این بخش از شهر تأثیر بسزایی در الگوهای بزهکاری در کاربری‌های مختلف داشته است. تمرکز کاربری‌های تجاری در بخش مرکزی و تعداد مراجعات از سایر مناطق شهر به این بخش شلوغی و عدم انسجام اجتماعی باعث به‌وجود آمدن مشکلات مختلفی از جمله تراکم بیش از حد جمعیت در طول روز و در کنار آن میزان قابل توجه ناهنجاری‌های اجتماعی در این بخش شده است.

به‌دلیل ارزش اقتصادی بسیار بالای زمین در این بخش بسیاری از ساکنین بخش مرکزی اقدام به تغییر کاربری از مسکونی به تجاری می‌کنند. این امر باعث افزایش روزافزون کاربری تجاری در این بخش شده است. بنابراین اقدامات عملی جهت جلوگیری از تغییر کاربری و ایجاد کاربری‌های تجاری جدید در بخش مرکزی به‌منظور پیشگیری از افزایش بیشتر تراکم

جمعیت در طول روز و فعالیتهای و همچنین ایجاد تدابیر لازم جهت جلوگیری از بروز ناهنجاریهای مختلف از جمله جرایم مواد مخدر در این بخش ضرورت دارد. با عنایت به مشکلات متعدد در محدوده مورد مطالعه از نظر کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و به منظور کاهش میزان جرایم به نظر می‌رسد سیاست‌های مناسب ساماندهی و توانمندسازی ساخت و سازهای کالبدی و توسعه اجتماعی ساکنین در دستور کار مدیران شهری و سایر مسئولین و دست‌اندرکاران امر قرار گیرد.

با توجه با تحلیل یافته‌ها و به منظور کاهش نرخ بزهکاری در محدوده بخش مرکزی شهر تهران، پیشنهادهای در جهت کنترل و مقابله با ناهنجاریهای مرتبط تهیه شده است. برخی از این پیشنهادات به سازمانهای تصمیم‌گیرنده و اجرایی باز می‌گردد و برخی دیگر شامل پیشنهادهای است که جنبه مکانی و کالبدی جرایم را مورد بررسی قرار داده و مبتنی بر مقاوم‌سازی فضاهای جرم‌خیز شهری می‌باشد:

- همراه‌سازی و تشویق مردم جامعه در قالب مشارکت در امر پیشگیری و تأمین امنیت اجتماعی.

- اولویت‌بخشی به فعالیتهای پلیس بر پایه استفاده بیشتر از فناوریهای نوین سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) به این صورت که تحلیل جرم بر مبنای نقاط جرم‌خیز که از تحقیقات زیربنایی در رابطه با جرم و مکان می‌باشد و تهیه نقشه جامع بزهکاری که مسئولان را نسبت به رشد جرایم هوشیار و پاسخگو نگه می‌دارد. این سیستم قابلیت بسیار وسیعی در جهت تهیه پایگاه داده‌ای، تهیه نقشه‌های بزهکاری و تحلیل الگوهای جرم، شناسایی محلهای وقوع جرم در آینده و یا تخصیص محل اقامت بزهکار برخوردار است؛

- تغییر در طراحی فضاهای گم و فاقد دید بصری که بنا بر علل مختلف از جمله علل کالبدی، نبود روشنایی و آشکار نشدن جرم به علت تاریکی که فضاهای مناسبی را برای ارتکاب بزه فراهم می‌کند؛

- از بین بردن بی‌نظمی‌های کالبدی و به هم ریختگی فیزیکی مثل محله‌های کثیف، ساختمانهای مخروبه، دیوارهای ترک خورده که به نوعی باعث جذب بزهکاران و اعمال غیرقانونی آنها

- می‌شود. این محله‌ها که در آنها نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی وجود دارد نشان می‌دهد ساکنین آن محله احساس آسیب‌پذیری بیشتری دارند و از مشارکت و محافظت اجتماع خود کنار کشیده‌اند. بنابراین نظم و کنترل اجتماعی در آنها بسیار پایین است. این شاخص‌ها می‌توانند زمینه ایجاد جرم را فراهم کنند زیرا نشانه‌هایی هستند که ساکنین علاقه‌ای به مواجهه با بزهکاری ندارند تا خطر بزهکاری را در محل کاهش دهند؛
- افزایش مراکز پلیس و کلانتری در محدوده کانون‌های جرم‌خیز بخش مرکزی تا امکان کنترل مناسب انتظامی را در این محدوده افزایش داده و به تبع آن با افزایش کنترل انتظامی فرصت‌های بزهکاری برای مجرمین کاهش می‌یابد. بنابراین مکان‌یابی و احداث مراکز انتظامی حتی به صورت واحدهای کوچک در این محدوده بویژه در محدوده‌های تجاری و اداری از شهر ضروری به نظر می‌رسد؛
 - پالایش کارکردی فعالیت‌های ناسازگار و افزایش نقش‌های گردشگری، پذیرایی و فرهنگی با تکیه بر هویت کالبدی بویژه رونق بخشیدن به فضاهای شهری در ایام تعطیل و شبها؛
 - ایجاد گستره‌های برخوردار از مجموعه فضاها، محورها، عرصه‌های عمومی و بناهای مرمت و بهسازی شده و تجدید حیات یافته همراه با گستره‌های نوسازی شده جایگزین بافت‌های فرسوده، قدیمی و ناکارآمد؛
 - ایجاد یک مدیریت یکپارچه، کارآمد، مشارکتی و پاسخگو که از همه امکانات و ابتکارات برای جلب فرصت‌ها، دور کردن تهدیدها و تأمین امنیت استفاده کند؛
 - طراحی اشکال یکدست در بافت محلات و حذف فضاهای بدون دفاع شهری؛
 - نورپردازی مناسب معابر و خیابانها، حصارکشی ساختمانهای رها شده و اراضی متروکه، ساماندهی و توانمندسازی ساخت و سازهای کالبدی و توسعه اجتماعی در محلات بخش مرکزی شهر تهران؛
 - ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم، ساختن سالن‌های ورزشی، کتابخانه، پارکها و بسیاری از مکانهای تفریحی جهت پر کردن اوقات فراغت ساکنان بویژه جوانان این محدوده که تأثیر فراوانی در پیشگیری از جرم خواهد داشت؛

- فراهم کردن خدمات و زیرساختهای مطلوب برای جذب بیشتر جمعیت ساکن به مرکز شهر همچنین تخصیص و ساماندهی سرانه‌های تأسیساتی، تجهیزاتی و خدمات مورد نیاز شهروندان این منطقه و برقراری تعادل و توازن در نوع و ترکیب کاربری اراضی.

۷- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از کمک‌ها و حمایت‌های دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا بویژه جناب سرهنگ محمد بارانی و همکاران زحمتکش ایشان نهایت تشکر و قدردانی را به عمل آورند.

منابع

۱. ابراهیم‌بای سلامی، غلام‌حیدر (۱۳۸۵)؛ موقعیت ژئوپلیتیک و ناامنی اجتماعی مورد: شهرستان خواف و رشتخوار در شرق ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم.
۲. اک، جان ای، و دیگران (۱۳۸۸)؛ تهیه نقشه برای تحلیل بهره‌کاری: شناسایی کانونهای جرم‌خیز، ترجمه محسن کلانتری و مریم شکوهی. چاپ اول، زنجان، نشر آذرکلک (دردست انتشار).
۳. جباری، کاظم (۱۳۸۸)؛ ارزیابی و تحلیل فضایی کانونهای جرم‌خیز شهری با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) مورد مطالعه بخش مرکزی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، زنجان، دانشگاه زنجان.
۴. روحی، مهدی (۱۳۸۱)؛ بررسی تحولات کالبدی بخش مرکزی شهر تهران با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی، مورد مطالعه منطقه یازده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
۵. روزبنام، لوریجیو، ویولیس (۱۳۷۹)؛ پیشگیری از جرم و ساختار محیط، ترجمه رضا پرویزی، نشریه امنیت، سال چهارم، شماره ۱۱-۱۲، تهران، وزارت کشور.
۶. سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۸)؛ کاربری زمین شهری، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۷. شکویی، حسین (۱۳۷۸)؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران، سمت.
۸. کلانتری، محسن (۱۳۸۸)؛ طرح تهیه اطلس قاچاق مواد مخدر در استان و شهر تهران، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور.
۹. کلانتری، محسن و توکلی، مهدی (۱۳۸۶-۱۳۸۵)؛ شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم‌خیز شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال اول و دوم.
۱۰. کلانتری، محسن (۱۳۸۰)؛ بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران. رساله دکتری رشته جغرافیا، گرایش برنامه‌ریزی شهری، تهران، دانشگاه تهران.
۱۱. محمدی، حمیدرضا و غنچی، محمد (۱۳۸۵)؛ چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا با تأکید بر ایران، پاکستان و افغانستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره اول.
۱۲. میرکتولی، جعفر و وطنی، علی (۱۳۸۸)؛ پهنه‌بندی و تحلیل نواحی جرم‌خیز آسیب‌زای سکونتگاه‌های شهری استان گلستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم.

۱۳. نصیری، معصومه و اعظمی، هادی (۱۳۸۵): نابرابری‌های شهری تهدیدی برای امنیت اجتماعی شهر تهران رویکردی در جغرافیای سیاسی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره اول.
۱۴. نیروی انتظامی تهران بزرگ، پلیس پیشگیری (۱۳۸۷).
۱۵. هریس، کیت (۱۳۸۶): اصول و روش‌های تهیه نقشه بزهکاری، ترجمه محسن کلانتری، مریم شکوهی، تهران، سازمان تحقیقات ناجا.
16. Chi Pun Chung, Edward (2005); Use of GIS in Campus Crime Analysis: a case study of the University of Hong Kong, thesis for receiving Master of Science in Geographic Information Systems at the University of Hong Kong.
17. Clarke, Ronald V (1997); Situational Crime Prevention: Successful Case Studies (Second Edition); Albany, NY: Harrow and Heston.
18. Farmer & Gibb (1979); "Land Use Planning" by Catanes & Snyder, London, Mc Graw-Hill.
19. Jacobs, Jane (1961); The Death and Life of Great American Cities, NY: Random House.
20. National Crime Prevention Council, (2003); Crime Prevention Through Environmental Design Guidebook, Singapore.
21. Ratcliff, J. H (2004); The Hot spots Matrix: a Framework for the Spatio-Temporal Targeting of Crime Reduction, police practice and research Vol.5, No 1, pp.5-23.
22. Rhods, W. and Conly, C (1981); Crime and Mobility: an Empirical Study in P. Brantingham and P. Brantingham, Environmental Criminology, Beverly Hills: Sage Publications.
23. Sideris, Anastasia loukaitou, Rabin liggett, Hiroyuki Hiseki (2002); the Geography of Transit Crime: documentation and evaluation of crime incidence on and around the green line stations in Los Angeles, department of urban planning ,UCLA school of public policy and social research.